

ترغیب مردم به اصلاحات مذهبی توسط لوتر



# تأثیر نهضت پروتستان بر گسترش فرهنگ، آموزش و تاریخ‌نگاری در اروپا\*

• هارولد گریم

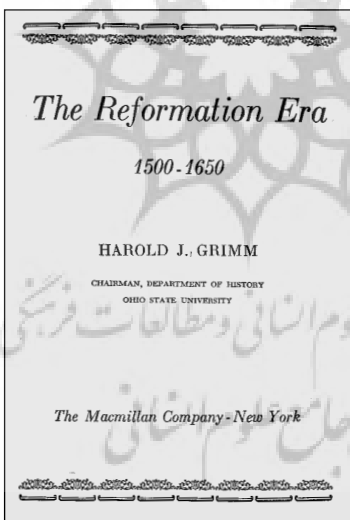
ترجمه و تلخیص: احمد فضلی نژاد

مدارسی تأسیس شوند که به وسیله سرمایه‌های مردمی مورد حمایت قرار گرفته و کودکان را تعلیم اجباری دهند. به این ترتیب او نخستین محرک بزرگی بود که آموزش رایگان و اجباری برای کودکان را مطرح نمود.

**ملانشتون**<sup>۲</sup> (Melancthon) معروف به آموزگار آلمان، به مقامات محلی ایالت ساکسونی (Saxony) کمک کرد تا به ایجاد مدارس بپردازند. وی پیشنهاد داد که کودکان به چند گروه تقسیم شوند، و برای آن‌ها تعداد زیادی کتاب‌های درسی مفید به نگارش در آورد. بدین ترتیب مدارس **ویتنبرگ** (Wittenberg)، **استراسبورگ** (Strassburg)، و **ژنو** (Geneva) به عنوان الگوهایی برای بسیاری از آموزگاران پروتستان در آمدند.

در انگلستان ویرانی صومعه‌ها و تعطیلی کلیساهای کوچک و مدارس کلیسایی، انگیزه‌ای برای هنری هشتم (VIII Henry, ۱۵۴۷ - ۱۵۰۹ م) گردید تا فرمان آموزش جوانان از سوی روحانیان را صادر نماید. با این حال وی حمایت اندکی از توسعه مدارس نمود. اما **ادوارد ششم** (Edward VI, ۱۵۵۳ - ۱۵۴۷ م) در حدود سی مدرسه وقف کرد. در پایان قرن هفدهم حدود پانصد مدرسه به سبک جدید در انگلستان ایجاد شده بود. مدارس به اصطلاح عمومی!

**اتون** (Eton)، **وینچستر** (Winchester) و **وستمینستر** (Westminster) با هزینه‌های خصوصی یا سلطنتی مورد حمایت قرار می‌گرفتند و تنها پسران بزرگان، اشراف زادگان و شهرنشینان ثروتمند در آن حضور داشتند. در اسکاتلند نیز از طریق قانون سال ۱۶۴۱ م. آموزش ابتدایی



- the Reformation Era 1506 - 1650
- HAROLD J. GRIMM
- Macmillan, New York,

**اشاره:** نهضت پروتستان در اروپا که همراه با جنگ‌های مذهبی پس از آن، حدود یک قرن و نیم طول کشید، یکی از پر دامنه‌ترین جریان‌های تاریخ قرون جدید به شمار می‌آید. این حرکت مذهبی صرف، پیامدهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بسیار گسترده‌ای برای اروپا در پی داشت. **هارولد گریم**، در کتاب خود یکی از کامل‌ترین و بی‌طرفانه‌ترین دیدگاه‌ها پیرامون عصر اصلاحات مذهبی را به رشته تحریر در آورده است. اثر وی بارها تجدید چاپ گردید و همچنان در محافل دانشگاهی اروپا و آمریکای شمالی لازم برای مطالعه اهل تحقیق به شمار می‌رود.

## ۱. گسترش آموزش و توسعه مدارس

نهضت اصلاح دینی، چه از سوی پروتستان‌ها و چه کاتولیک‌ها، بر موضوع آموزش تأثیر فراوانی نهاد. هر چند روش‌های فلسفه مدرسی<sup>۱</sup> (Scholasticism) همچنان باقی ماندند، اما به تدریج در اثر عواملی چون اومانیزم رنسانس، الهیات و تربیت اصلاح‌گران، و در نهایت پیشرفت اندیشه‌های عقلی و علمی دستخوش تغییراتی گردیدند. به احتمال زیاد مهم‌ترین نتیجه نهضت پروتستان در این زمینه، گسترش تعلیم آن بر بخش بسیار وسیع‌تری از جمعیت اروپا بود. **لوتر** اصرار می‌ورزید که باید در همه شهرها، شهرستان‌ها و روستاهای آلمان



مارتین لوتر کینگ

## مشاجرات مذهبی که در پی ظهور نهضت پروتستان به وجود آمد، خود انگیزه عمده‌ای برای مطالعه و نوشتن تاریخ گردید. پروتستان‌ها با مقایسه وضعیت کلیسا در دوران خود با دوران مسیح و حواریون، مبانی کلیسای کاتولیک را مورد حمله قرار داده و با اندیشه‌ای تاریخی، مخالفان خود را درمنازعاتشان وادار به آزمون این مبانی کردند

ژان کالون



**نخستین تاریخ جامع کلیسا که در قرن شانزدهم به نگارش در آمد، به وسیله ماتیسوس فلاسیوس (Matthaus Flacius) شش تن دیگر از همفکرانش بین سال‌های ۱۵۵۹ م تا ۱۵۷۴ م منتشر گردید. این اثر برجسته سیزدهم قرن را تا سال ۱۳۰۰ م پوشش داده و هر قرن را در یک جلد به نگارش در آورده بود. این اثر بدون تردید متعصبانه بود؛ چنان که همه تاریخ را صحنه نبرد میان خدا و شیطان در نظر گرفته که در آن پاپ یک دجال<sup>۱</sup> یا ضد مسیح (Antichrist) و کلیسای کاتولیک همچون امپراتوری او معرفی شده بود.**

از نویسندگان عصر باستان، در درجه نخست خود را با مباحث سیاسی و اشرافی‌گری درگیر می‌ساختند، نویسندگان تاریخ کلیسا که در دوران اصلاح دینی به دنیا آمده بودند، اغلب از مشاجرات ادبی دوری گزیده و مباحث فراموش شده مذهبی و نهادهای کلیسایی را کانون توجه خود کردند. چون هدف اصلی بیشتر مورخان اومانیزم تنها نشان دادن الگوهایی از نیک و بد برای هدایت اخلاقی بود، مورخان تاریخ کلیسا خود را موظف می‌دانستند که تاریخ را در خدمت الهیات خویش قرار دهند.

نخستین تاریخ جامع کلیسا که در قرن ۱۶ م. به نگارش در آمد، به وسیله ماتیسوس فلاسیوس<sup>۱</sup> (Matthaus Flacius) و شش تن دیگر از همفکرانش بین سال‌های ۱۵۵۹ م تا ۱۵۷۴ م. منتشر گردید. این اثر برجسته سیزدهم‌جلدی، تاریخ کلیسا را تا سال ۱۳۰۰ م. پوشش داده و هر قرن را در یک جلد به نگارش در آورده بود. این اثر بدون تردید متعصبانه بود؛ چنان که همه تاریخ را صحنه نبرد میان خدا و شیطان در نظر گرفته که در آن پاپ یک دجال<sup>۱</sup> یا ضد مسیح (Antichrist) و کلیسای کاتولیک همچون امپراتوری او معرفی شده بود.

پاسخ کاتولیک‌ها که به همان اندازه متعصبانه، ضعیف و ناپخته بود، تحت عنوان «سالنامه‌های کلیسایی» از سوی سزار بارونیوس (Caesar Baronius) با حجم زیاد بین سال‌های ۱۵۸۸ م و ۱۶۰۷ م. منتشر گردید. کار بارونیوس نسبت به دیگران از ارزش بالاتری برخوردار بود، زیرا او به کتابخانه واتیکان و دیگر کتابخانه‌های بزرگ در ایتالیا دسترسی داشت. با این حال او زبان یونانی و عبری نمی‌دانست و فاقد دانش وسیعی از گذشته بود. البته کتاب مهم او مدت‌ها به عنوان یک اثر معتبر پذیرفته شد و منابع فراوانی را که برای دیگر مورخان غیر قابل دسترسی بود، فراهم ساخت.

از این بحث برانگیزتر، شیوه تاریخ‌نگاری جلدی مربوط به رویدادهای تاریخ معاصر بود. مهم‌ترین اثر تاریخی پروتستان‌ها در مورد عصر اصلاح دینی، کتاب گزارش‌هایی در مورد تاریخ مذهبی و سیاسی شارل پنجم نوشته مورخ لوتری یوهانس سلایدن (Johannes Sleidan, ۱۵۰۶ - ۱۵۵۶ م) است که در ۱۵۵۵ م. منتشر شد و به طور قابل ملاحظه‌ای خالی از تعصب بود. نویسنده که خود یک دیپلمات اومانیزم بود، رویدادهای دوران تکان دهنده سال‌های ۱۵۱۷ م تا ۱۵۵۵ م. را به گونه‌ای زنده ثبت نمود و کتاب وی همه اسناد قابل دسترس را شامل می‌گردید.

به احتمال زیاد درخشان‌ترین و مهیج‌ترین اثر تاریخی این دوره، به قلم راهب ونیزی، پیترو پائولو ساری (Pietro Paolo Sarpi, ۱۶۲۳-۱۵۵۲ م) نگارش یافت که نقش او در مشاجره میان دولت - شهر و نیز و دستگاه پاپی از او چهره‌ای جنجالی آفرید. او که بدون شک یکی از فرهیخته‌ترین مردان روزگار خود بود، در آثار خویش نظریات و نیازی‌ها را در مورد جدایی کلیسا و دولت منعکس می‌کرد. مشهورترین اثر انتقادی که به وسیله پائولو ساری به نگارش در آمد،

رایگان برای همه کودکان فراهم گردید. در مستعمره نشین‌های آمریکایی، آموزش کودکان از همان ابتدا به طور اجباری و به صورت عمومی و رایگان رایج گردیده بود. در کشورهای کاتولیک مسئله آموزش در اختیار کلیسا باقی ماند و در پایان قرن شانزدهم بیشترین پیشرفت به وسیله یسوعیان<sup>۲</sup> (Jesuits) انجام گرفت. در مدارس آن‌ها کمتر به تنبیه کردن و درمقابل، بیشتر به ایجاد انگیزه و اشتیاق جهت آموختن و نظم در امور توجه می‌شد. هزینه این مدارس اغلب به وسیله دولت و کلیسا و سرمایه‌های خصوصی تأمین می‌گردید و به سرعت بر روی خارجی‌ها گشوده شدند.

با این که دولت‌های پروتستان، مسئولیت کودکان آموزش دیده را برعهده گرفتند، در ابتدا به صورت قابل توجهی در حجم و اهداف آموزشی تغییری صورت نگرفت، زیرا موضوعات اساسی همچنان پیرامون مذهب و اصول عصر کلاسیک، دست‌نخورده باقی ماند. آن تغییرات مهمی که به وسیله آموزگاران قرن شانزدهم انجام گرفت، به طور عمده مربوط به روش‌های آموزشی، یعنی بهبود تعالیم قدیمی در زمینه‌های مذهب، قرأت و نگارش زبان‌های لاتین، یونانی و گاه عبری بودند. تاریخ و علوم (به معنای خاص آن) تنها به عنوان نتایج فرعی تعالیم آن‌ها مورد مطالعه قرار گرفتند، ابتدا مطالعه آثار لیوی<sup>۳</sup> (Livy) و سپس آثار پلینی<sup>۴</sup> (Pliny). با این حال تعداد کمی از مغزهای متفکر و جسور تقاضا برای توسعه قلمرو آموزش را افزایش دادند. رابله (Rabelais) توصیه نمود که جوانان اصول اخلاقی، بهداشت بدن و علوم دیگر را بیاموزند. مونتینی<sup>۵</sup> (Montaigne) از یادگیری زبان‌های جدید جانبداری کرد؛ میلتن<sup>۶</sup> (Milton) دروس عملی مانند جغرافیا، دریانوردی، مهندسی، قانون، سیاست، موسیقی و علوم طبیعی را برای آموزش جوانان پیشنهاد داد، و سرانجام یسوعیان مطالعه کامل تری از تاریخ و فلسفه مدرسی (Scholastic) را درخواست کردند.

### ۲. تاریخ‌نگاری

مشاجرات مذهبی که در پی ظهور نهضت پروتستان به وجود آمد، خود انگیزه عمده‌ای برای مطالعه و نوشتن تاریخ گردید. پروتستان‌ها با مقایسه وضعیت کلیسا در دوران خود با دوران مسیح و حواریون، مبانی کلیسای کاتولیک را مورد حمله قرار داده و با اندیشه‌ای تاریخی، مخالفان خود را در منازعاتشان وادار به آزمون این مبانی کردند. علاوه بر این، اتحاد فرقه‌های بزرگ پروتستان با دولت‌های ملی و منطقه‌ای، انگیزه‌های برای توجه به تاریخ‌های ملی گردید. هر چند بسیاری از نوشته‌های تاریخی آن زمان بیشتر پیرامون مباحث بحث برانگیز و مسائل ذهنی بودند، با این حال مورخان به کشف و شناسایی تعداد زیادی از منابع فراموش شده پرداخته و از این راه با برطرف کردن بسیاری از نگرش‌های نادرست، نظریه‌های تازه‌ای در زمینه تاریخ ابداع کردند. از آنجا که اومانیزم‌ها تاریخ را در حوزه ادبیات قرار داده و با تقلید

## در کشورهای کاتولیک مسئله آموزش در اختیار کلیسا باقی ماند و در پایان قرن شانزدهم بیشترین پیشرفت به وسیلهٔ یسوعیان (Jesuitis) انجام گرفت. در مدارس آنها کمتر به تنبیه کردن و در مقابل بیشتر به ایجاد انگیزه و اشتیاق جهت آموختن و نظم در امور توجه می‌شد

تاریخی را به منصفه ظهور رساند.

همچنین خدمت بزرگ دیگر به پیشرفت اندیشهٔ تاریخی، به وسیلهٔ دانشوران فرقهٔ بندیکتین<sup>۱۵</sup> (Benedictine) از جماعت سن مور (St. Mour) انجام شد که محصول دیگری از نهضت اصلاح کاتولیکی بودند. این گروه در صدد اعادهٔ موقعیت والای دانشی بودند که با تلاش بند یکتین‌های قرون وسطا به دست آمده بود. آنها از منابع متعددی که در خانه‌هایشان در فرانسه نگهداری می‌شد، بهرهٔ فراوان بردند. خدمات ویژهٔ آنها در این زمینه کمک به پیشرفت متد تاریخی شامل توسعهٔ علوم مربوط به شناسایی خطوط قدیمی یا مطالعهٔ دست نوشته‌های قرون وسطایی، و نیز علوم سیاسی یا مطالعهٔ مسائل مربوط به اسناد و مکاتبات رسمی بود.

### پی نوشت‌ها:

\* برگرفته از کتاب

(The Reformation Era 1500 - 1650) نوشته هارولد گریم (Haroldj - Grimm)

۱- فلسفه و الهیات مسیحیت غرب در قرون وسطا

۲- ملانشتون (۱۵۶۰- ۱۴۹۷ م) دانشور و مصلح دینی آلمانی و از همفکران و دوستان مارتین لوتر بود.

۳- از فرقه‌های مسیحی که توسط ایگناتیوس لویولایی در ۱۵۳۴ م. تأسیس شد.

۴- تیتوس لیویوس (۱۷۱ ق. م - ۵۹ ق. م) تاریخ نویس رومی

۵- پلینی (۱۱۴ م - ۶۲ م) خطیب و سیاستمدار رومی

۶- فرانسوا رابله (۱۵۵۳ - ۱۴۹۰ م) نویسنده و پزشک فرانسوی

۷- میشل دومونتینی (۱۵۹۲ - ۱۵۳۳ م) فیلسوف و مقاله‌نویس فرانسوی

۸- جان میلتن (۱۶۷۴ - ۱۶۰۸ م) شاعر و متفکر انگلیسی

۹- ماتیوس فلاسیوس (۱۵۷۵ - ۱۵۲۰ م) عالم الهیات آلمانی

۱۰- در معتقدات مسیحیان، موجودی که بزرگترین دشمن عیسی است و فساد را بر زمین مستولی می‌کند، اما در نهایت با ظهور مجدد عیسی (ع)، نابود می‌گردد.

۱۱- نوزدهمین شورای کلیسای کاتولیکی که در پی اصلاحات دینی برگزار گردید و باعث ایجاد اصلاحاتی در آیین مسیحیت کاتولیک شد.

۱۲- خاندان اشرافی فرانسه

۱۳- کلیسای ملی انگلستان که پس از جدایی آن کشور از پاپ‌رم در زمان هنری هشتم، ایجاد گردید.

۱۴- حرکتی اصلاح طلبانه در میان کاتولیک‌ها و برای مقابله با نهضت پروتستان بود که لزوم اصلاحات را در کلیسای کاتولیک مدنظر داشت و به شورای ترانت در ۱۵۴۵ م منتهی گردید.

۱۵- فرقه‌ای از راهبان کاتولیک که به طور گروهی در دیرها زندگی می‌کردند و تابع مقررات خاصی بودند.

کتاب تاریخ شورای ترانت<sup>۱۱</sup> بود که نخست در لندن در سال ۱۶۱۹ م. و سپس به زبان‌های لاتین، فرانسوی و آلمانی منتشر گردید. هدف نویسنده از انتشار این کتاب روشن ساختن این مسئله بود که شورای ترانت، که در واقع برای ایجاد یگانگی دوبارهٔ کلیسای مسیحی تشکیل شد، در عمل شکاف و جدایی کلیسا را ماندگار و آشتی‌ناپذیر ساخت.

طبق معمول حامیان دستگاه پاپ، به ویژه یسوعیان به تندی بر تفسیر ساریبی در مورد شورای ترانت حمله بردند. چنانکه «تاریخ شورای ترانت» اثر اسفورزا پالا ویچینو (Sforza Pallavicino, ۱۶۰۷ - ۱۶۵۶ م) که در سال ۱۶۵۶ م. منتشر شد، نتایج تلاش فراوانی را که در آرشیوها و کتابخانه‌های ایتالیا انجام شده بود، مجسم می‌کرد و منابع زیادی را که برای پائولو ساریبی غیر قابل دسترس بود، شامل می‌گردید.

یکی از بهترین تاریخ‌های سیاسی عصر اصلاح دینی، کتاب تاریخ زمان خود نوشته ژاک اوگوست دو تو Jacques Auguste de Thou, ۱۶۱۷ - ۱۵۵۳ م) است. وی از خانواده‌ای صاحب نام، آشنا با علم حقوق و دارای تجربهٔ با ارزشی در مقام مشاور هانری سوم و هانری چهارم و نیز رئیس پارلمان پاریس بود. این کتاب، علاقهٔ نویسنده را به هانری چهارم، تنفر وی را از خاندان گیز<sup>۱۲</sup> (Guise) و دفاع او را از مدارای مذهبی نشان می‌دهد.

بهترین مورخ انگلیسی این دوره ویلیام کمندن William Camden, ۱۶۲۳ - ۱۵۵۱ م) با کتاب خود به نام بریتانیا که در سال ۱۵۸۶ منتشر شد، بلافاصله به عنوان دانشمندی سرشناس مشهور گردید. با وجود میهن‌پرستی و وفاداری نویسنده به کلیسای انگلیکان<sup>۱۳</sup>، اثر وی به گونه‌ای غیر معمول عاری از غرض‌ورزی و طعنه‌پردازی بود. او یکی از نخستین مورخان بود که وابستگی میان تاریخ مذهبی و سیاسی را نشان داده و اهمیت جغرافیا و تاریخ اجتماعی را روشن ساخته است.

### ۳. تاریخ نگاری انتقادی

نخستین کاربرد موفقیت‌آمیز استفاده از روش انتقادی برای مطالعه منابع تاریخی بوسیلهٔ آبابی فرقه بولاند (Bolland)، یعنی انجمنی از دانشوران یسوعی انجام شد. آنها خود را متعهد ساخته بودند که در زندگی‌نامه‌های قدیسن، نوشته‌های نادرست را حذف کنند تا از این طریق بتوانند به کشف اهمیت حقیقی آنها در تاریخ مسیحیت و استفادهٔ سازنده از این زندگی‌نامه‌ها در نهضت ضد اصلاح دینی<sup>۱۴</sup> (Counter - Reformation) بپردازند.

آنها نام خود را از ژان بولاندوس (Jean Bollandus, ۱۶۶۵ - ۱۵۹۶ م)، یک یسوعی بلژیکی گرفته بودند که این فرقه را سازمان داده و نخستین جلد از آثار خود را به نام «حیات قدیسن» به نگارش در آورده بود. او در مقدمهٔ کتاب خود نخستین گفتار جامع و مفصل پیرامون متد

ویلیام کمندن (William Camden) انگلیسی، یکی از نخستین مورخان بود که وابستگی میان تاریخ مذهبی و سیاسی را نشان داده و اهمیت جغرافیا و تاریخ اجتماعی را روشن ساخته است